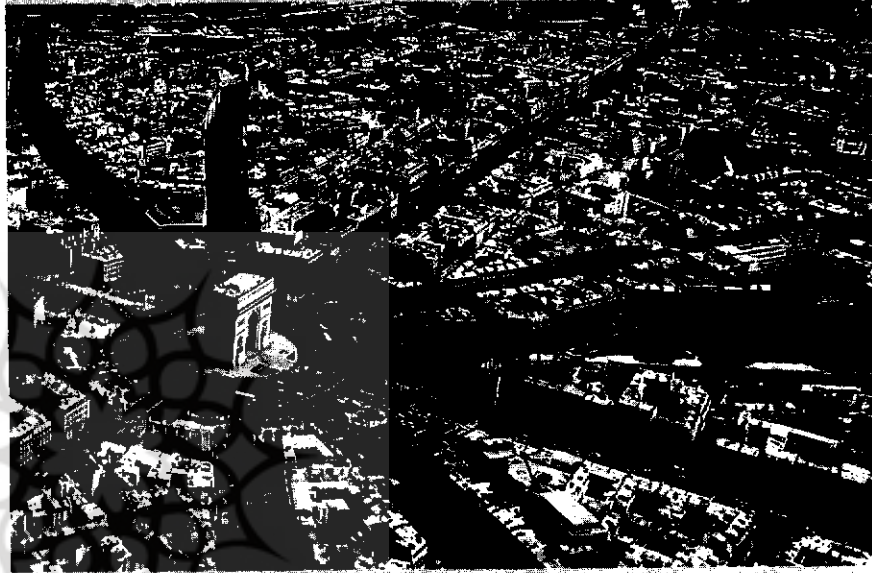


برنامه‌ریزی شهری شهری



چکیده

از زمان شروع برنامه‌ریزی شهری به سبک جدید در میانه قرن نوزدهم میلادی، طرح نیز موضوع مورد توجه آن بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم بخت و اقبال طرح نیز فروکش کرد و طرح‌ها و برنامه‌ریزی جامع مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. به‌رغم دفاع‌های فصیح و مناسبی که از طرح می‌شد، عمل و نظریه به سمت فرایند رفتند.

به برنامه‌ریزان شهری توصیه شد که به جای نگرش جامع، نگاهی معتدل‌تر به مسائل داشته باشند. نظریه‌پردازان در ابتدا بر تصمیمات و سپس بر گفت‌گو و اقدام ارتباطی تأکید کردند. این وضعیت به طور تناقض آمیزی در کنار این واقعیت قرار گرفت که بسیاری از پیشرفت‌ها در سال‌های اخیر نتیجه طرح‌ها بوده است.

چرا تاکنون بر روی این گرایش تحقیق نشده است؟ چرا نظریه برنامه‌ریزی معاصر معمولاً درباره طرح ساکت مانده است؟ چرا خود برنامه‌ریزان به نفع تصمیم‌گیری‌های سریع‌تر، برخورد محافظه کارانه‌ای با طرح‌های عمومی دارند و از آن فرار می‌کنند؟ این مقاله، برنامه‌ریزی طرح محور و بدون محوریت طرح را با نگاه به ابعاد نظری و عملی و چشم‌انداز تاریخی آنها با یکدیگر مقایسه می‌کند.

کلید واژه‌ها: طرح، برنامه، نقشه، برنامه‌ریزی طرح محور، طرح سیاستی

آیا برنامه‌ریزی نیازی به طرح دارد؟*

مایکل نیومن
ترجمه: شهرزاد فرزین پاک، آرش سربابی

مجله معماری شهری شماره ۱۷ بهار ۱۳۸۳

آیا طرح مرده است؟

به مدت یک قرن، طرح و نقشه موضوع اصلی برنامه‌ریزی شهری مدرن بود. این وضعیت در اروپا و آمریکای شمالی از زمان شروع برنامه‌ریزی به شکل جدید در نیمه قرن نوزدهم، ادامه داشت. بعد از جنگ جهانی دوم بخت و اقبال طرح نیز افول کرد. طرح‌ها و برنامه‌ریزی جامع مورد انتقاد قرار گرفتند و دانشگاهیان و حرفه‌مندان در مورد ارزش‌های آن تردید کردند (Meyerson and Banfield 1955, Altshuler 1965). با وجود طرح‌های زیبا و دفاع‌های فصیح و مناسبی که از طرح به عمل آمد (Philadelphia City Planning Commission 1960, Kent 1964)، برنامه‌ریزی، در حیطه نظر و عمل از طرح به سوی فرایند پیش رفت (Lindblom 1956, Davidoff and Reiner 1962). به برنامه‌ریزان شهری توصیه شد که به جای نگرش جامع، نگاهی معتدل‌تر به مسائل داشته باشند. بنابراین از اوایل دهه ۶۰ میلادی، طرح جایگاه مرکزی خود را از دست داد و توجه بیشتری به فرایند صورت گرفت. حتی "تیتز" در ارزیابی برنامه‌ریزی در ایالت متحده آمریکا در دهه ۹۰ میلادی - که وی از آن به عنوان "دوران طلایی برنامه‌ریزی در آمریکا" شمالی یاد می‌کند - کوچکترین اشاره‌ای به طرح نمی‌کند (Teits, 1996).

چرا طرح و نقشه تنزل پیدا کرد؟ حمله به ایده برنامه‌ریزی جامع و ابزار اصلی آن یعنی طرح، قسمتی از حمله عمومی به عقلانیت ابزاری در علوم و حرفه‌های اجتماعی بود. نقدهای بسیاری نیز از جهات گوناگون بر ابزارهای اصلی طرح یعنی منطقه‌بندی و مقررات کاربری زمین وارد شد. سنت‌گرایان نو و شهرسازان جدید، مباحثه‌کنندگان و همچنین سیاستمداران محافظه‌کار گزینه‌های خود را برای برنامه‌ریزان، ارائه دادند. پژوهش‌های اخیر در زمینه برنامه‌ریزی، به طور مثال به دست اینتز (۱۹۹۵) کمپیل و فاینشتاین (۱۹۹۶)، ماندلیام، مازا و بروچل (۱۹۹۶) و مجله "نظریه برنامه‌ریزی" و سمیویوم نظریه برنامه‌ریزی در "مجله تحقیق و آموزش برنامه‌ریزی" (Stiftel 1995) کماکان بر مفوله فرایند متمرکز شدند. تناقض‌گونی این شرایط آن است که بسیاری از پیشرفت‌های مهم حاصل شده در همین دوره، حاصل طرح‌ها بوده است.

طبیعت مصوری که تصاویر دارند، به طرح‌ها کیفیتی می‌بخشد که سایر ابزارهای سیاست عمومی اغلب فاقد آن هستند. به دلیل همین ویژگی‌هاست که طرح به عنوان بخش مهمی از میراث عقلانی رشته ما محسوب می‌شود

احیای طرح

در گذار از طرح به سوی فرایند، طرح‌هایی استثنایی حضور خود را نشان دادند. شاید از اولین طرح‌هایی که در آمریکا مورد توجه خاص قرار گرفت، پروژه طراحی شهری در سال ۱۹۷۱ و طرح مرکز شهر سانفرانسیسکو در سال ۱۹۸۳، با موضوع طراحی شهری بود. طراحی "قطعات شهری بزرگ" (اصطلاحی که در اروپا به کار می‌رود) با طرحی برای شهر باتری بارک [۲] در نیویورک و "داکتندز" در لندن ادامه یافت. طرح شهر جدید سی‌ساید [۲] در فلوریدا به اولین نشانه شهرسازی جدید بدل شد. در یورتلند واقع در ایالت اورگون [۴] طرح بلند پروازانه‌ای تهیه شد که مشارکت عمومی را به طور جدی در برداشت و جنبه جدیدی به مداخله شهروندان بخشید. انجمن برنامه‌ریزی منطقه‌ای [۵] سومین طرح خود را برای منطقه کلان شهری نیویورک با عنوان "منطقه‌ای در خطر" در سال ۱۹۹۶ منتشر کرد. طرح اولیه‌ای نیز برای واشینگتن دی.سی. (گسترش میراث) در سال ۱۹۹۶ به وسیله کمیته برنامه‌ریزی پایتخت ملی [۶] منتشر شد.

نهادهای و مؤسسات ملی بر روی برنامه‌ریزی کالبدی متمرکز شدند. مؤسسه معماران آمریکا به تشکیل گروه‌های دستیار طراحی شهری پرداخت و انجمن برنامه‌ریزان آمریکا نیز تیم‌های برنامه‌ریزی تشکیل داد. در همین حال جایزه ملی هنر برای طراحی شهری به مؤسسه شهرداران تعلق گرفت. در سال ۱۹۹۲ میلادی طرح ایالت نیوجرسی و در سال ۱۹۹۴ راهبرد مدیریت توسعه منطقه‌ای سان‌دیوگو دیدگاه‌های جدیدی را برای حوزه خود، و مدل‌های تازه‌ای را نیز برای برنامه‌ریزی ایالتی و منطقه‌ای ارائه دادند. این دو طرح همچنین روابط بین برنامه‌ریزی و دولت را دوباره تعریف کردند. نیوجرسی فرایند آماده کردن طرحی را با نام "پذیرش دو سویه" [۷] ابداع کرد که مدلی تکرار شونده و مشارکتی برای بحث و مذاکره بود. در سان‌دیوگو برنامه‌ریزان محلی، طرح منطقه خود را تهیه کردند. این دو طرح نشان داد که برنامه‌ریزی، با طراحی دوباره نهادهای دولتی، می‌تواند راهی برای اصلاح دموکراسی واقعی بگشاید. به این ترتیب سان‌دیوگو و نیوجرسی دستورالعمل جدیدی برای برنامه‌ریزی و تحقیق تهیه کردند.

در اروپا طرح‌های نقشه-محور یا طراحی-محور در بردارنده تأثیرات بیشتری نسبت به طرح‌های سیاست-محور در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بود. همان‌طور که در آمریکای شمالی نیز. در دهه ۸۰ میلادی راهبردها و چارچوب‌ها، رونج همگانی پیدا کردند. در میانه این گذار، تصویری مشابه برای طرح‌های کالبدی رخ نمود. به عنوان مثال، می‌توان به طرح نوسازی بولونیا [۸] در ایتالیا در دهه ۶۰ میلادی اشاره کرد. در نوسازی بولونیا، برنامه‌ریزان روشی جدید در برنامه‌ریزی مردمی و دموکراسی مشارکتی را ابداع کردند. طرح بولونیا طرحی عمده و بنیادین در ایتالیا و اروپا به شمار می‌آید. در

لازم است ارتباط
میان مردم، مکان و
طرح را بهتر در یابیم
تا طرح هایتوانند بیش
از آنکه پاسخگویی
قوانین باشند، به
ساکنان پاسخ دهند

این میان آندو رسی (۱۹۱) (۱۹۶۶) به قوانین معماری در ساخت شهرها و طراحی کالبدی در هدایت برنامه‌ریزی و سیاست‌ها توجه کرد. در مادرید و بارسلونا، جنبش‌های مردمی شهر را به سمت طرح‌های شهروندمدار هدایت کردند. معماران، طرح عمومی مادرید را در سال ۱۹۸۵ ریختند که تجدید حیات مرکز تاریخی شهر و آماده کردن زیرساخت‌ها و خدمات در اطراف آن را هدایت می‌کرد. دگرگونی و تغییر و تحول بارسلونا در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی در نتیجه طرح عمومی مادرشهر بارسلونا در سال ۱۹۷۶ بود. راهبرد دروازه رودخانه تایمز [۱۰] خروج از هنجارهای قانون محور معمول در بریتانیا را خبر می‌داد. اگر چه این طرح‌ها به عنوان نمونه مطرح شدند، اما بعد از سال ۱۹۸۰ تمامی قاره (اروپا) شاهد تجدید حیات راهبردها و طرح‌های کالبدی بود.

آیا وظیفه و هدف این تجدید حیات، تمرکز بر تأثیرات طرح در قلب برنامه‌ریزی است؟ در بعضی موارد طرح ثابت کرده است که ابزار مؤثری برای انجام سیاست‌های شهری و جرقه‌ای برای تغییرات شهری است. در حالی که طرح هنوز عملکردهای سنتی خود را در هدایت تأسیسات شهری و تنظیم پارامترهایی برای منطقه بندی و سایر کنترل‌های قانونی انجام می‌دهد. اهداف جدیدتری را نیز به خوبی محقق می‌سازد. طرح‌های کالبدی از پیش، تصویری گرافیکی از آینده را به دست می‌دهند که می‌توان بر اساس آن به راحتی عمل کرد. شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع دوستدار بازگشت طرح هستند؛ و این به آنها اجازه می‌دهد که از قبل "ببینند" که چه چیزی در آینده به دست می‌آورند. سیاستمداران نیز که به طرح‌های مورد اجماع عمومی برگردند تا بتوانند از عهده موضوعات مشکل و پرخطر برآیند. برنامه‌ریزان با تهیه این گونه طرح‌ها در حقیقت کار سیاسی انجام می‌دهند. طرح‌ها همانند سند مکتوب مذاکراتی هستند که از زبان حل مباحث استفاده می‌کنند. با طرح مناسب منافع و گرایش‌های گوناگون در تعامل یا یکدیگر قرار می‌گیرند و بر سر سیاستی معین با یکدیگر توافق می‌کنند. با این راه‌هاست که طرح روح تازه‌ای در ایده‌آل برنامه‌ریزی جامع می‌دمد (Innes 1996). این مقاله با مقایسه برنامه‌ریزی طرح محور و برنامه‌ریزی بدون محوریت طرح، چه از لحاظ نظری و چه عملی و در دورنمای تاریخی، در پی ارائه دعوی تازه‌ای در مورد طرح است.

سرچشمه‌های برنامه‌ریزی شهری مدرن

مورخان برنامه‌ریزی معمولاً سرچشمه برنامه‌ریزی مدرن را به طرح هوسمان برای پاریس در نیمه قرن نوزدهم میلادی نسبت می‌دهند (Choay 1989). ولی می‌توان گفت که شروع برنامه‌ریزی مدرن به اواخر قرن نوزدهم و شکل‌گیری جنبش‌هایی برای بهبود وضع مسکن و بهداشت شهری در آلمان، انگلستان و ایالت متحد آمریکا، برمی‌گردد. اولین طرح جامع شهری که ادعا داشت به مسائل مورد توجه برنامه‌ریزان معاصر - از قبیل مسکن، محیط زیست، ترافیک، شرایط اجتماعی و بهداشتی، طراحی شهری، تراکم، زیرساخت‌ها و جز اینها - می‌پردازد، به وسیله یک مهندس عمران به نام "ایدفونس سردا" [۱۱] برای بارسلونا در سال ۱۸۵۹ میلادی ارائه شد. طرح او بر پایه تئوری شهرنشینی قرار داشت (Cerdà 1867).

طرح‌های بعدی به این حرفه نو شکل بخشیدند. باغ شهر لچ‌ورث، نمایشگاه کلمبیا در گریت وایت سیتی [۱۲] در سال ۱۸۹۳، طرح دانیل برنهام و ادوارد بنت [۱۳] برای شیکاگو در سال ۱۹۰۹، طرح شهر خطی برای گسترش مادرید در سال ۱۸۸۲ به وسیله آرتور سوریا، طراحی والتر برلی گریفین برای کانبرا در سال ۱۹۱۲ و طرح اتو وانگر برای گسترش وین در سال ۱۸۹۳ نمونه‌هایی از طرح‌های شاخص و برجسته به شمار می‌روند. طرح ۳۰-۱۹۲۹ برای نیویورک و اطراف آن، که انجمن طرح‌های منطقه‌ای تهیه کرد، و طرح لندن بزرگ به دست پاتریک ابرکرامبی [۱۴] در سال ۱۹۴۴ نقاط عطف حرکت این گونه طرح‌ها به شمار می‌آیند. طرح‌های پس از جنگ مانند طرح انگشتی [۱۵] مشهور کینهاگ و طرح قلب سبز هلند در جهت گسترش سنتی بودند. در اوایل دهه ۶۰ میلادی آدموند بیکن طرحی برای فیلا دلفیا تهیه کرد که باعث شد عکس او بر روی جلد مجله تایم چاپ شود. سی سال بعد ایده او به طور گسترده‌ای اجرا شد و پیشرفت‌های ماندگار را برای شهر به همراه آورد.

آرمان‌های طرح محور نیز چنین اثری داشتند. کامیلوسیت با کتاب هنر ساخت شهرها [۱۶] (۱۸۸۹)، ابنزر هاوارد با باغ شهرها (۱۸۹۸)، تونی گارنیه با شهر صنعتی (۱۹۱۷)، لوکوربوزیه با طرح واحد همسایگی (محل) [۱۷] (۱۹۲۵)، شهر شعاعی (۱۹۳۳) و یک شهر معاصر با ۳ میلیون نفر ساکن (۱۹۲۲) و فرانک لوید رایت با شهر گسترده (۱۹۳۵) برخی از نمونه‌های در خور توجه‌اند.

متفکران عمده مورد بحث با عباراتی روشن و مطمئن اندیشه خود را در مورد اینکه شهر آینده چه وضعیتی باید داشته باشد، نشان دادند. طرح‌های آنان تنها به کلمات یا چکیده نظریه‌ها محدود نمی‌شد و صرفاً بر همان‌ها تکیه نداشت. حتی تئوری سردا نیز مبتنی بر تجربه و بر پایه بیش از ۱۰ سال جمع‌آوری اطلاعات جزئی و تحلیل و مقایسه آنها بود. پیشگامان

برنامه‌ریزی عبارت شجاعانه‌ای را که دانیل برنهام در سال ۱۹۰۷ بیان کرد، پذیرفته‌اند (Hall, 1988:174):
" طرح‌های کوچک به وجود نیاورید. این گونه طرح‌ها جاذبه‌ای برای برانگیختن علایق مردم ندارند، و احتمالاً درک هم نمی‌شوند. طرح‌های عظیم بیافرینید؛ هدف والا در آرزو و کار داشته باشید و به یاد داشته باشید که یک نمودار با شکوه و منطقی که ثبت می‌شود، هرگز از بین نمی‌رود بلکه مدت طولانی بعد از ما زنده است و از حقانیت خود دفاع می‌کند."
در این مقاله، واژه طرح به ارائه دوبعدی شکل کالبدی شهر اشاره دارد. نمودارهای دو بعدی با ماکت‌های سه بعدی، طرح‌های تریسیمی از سطح زمین و از زاویه دید چشم پرنده، تصویر و تقویت می‌شوند. استفاده من از اصطلاح طرح، به طرح عمومی، جامع، ساختاری یا راهبردی مربوط می‌شود (مگر جز آن قید کرده باشم)، و نه طرح‌های بخشی و عملکردی مانند طرح حمل و نقل یا مسکن یا طرح برای مکانی خاص و یا پروژه‌ای برای منطقه‌ای مشخص. از جمله، تحلیل‌های دقیقی کف‌الودی و وان دروالک (۱۹۹۴) و مارا (۱۹۹۵) ارائه کرده‌اند (والته بسیاری دیگر نیز) به تفاوت‌های انواع طرح‌ها توجه دارند.

تصوراتی که از طرح‌های تاریخی در ذهن ما وجود دارند، نشانه‌های این حرفه‌اند. طرح وضعیت و حالتی قهرمانانه گرفته است و آفرینندگان طرح، افسانه شده‌اند. طرح‌ها نقش برجسته‌ای در ساختن حرفه و نهاد برنامه‌ریزی شهری ایفا می‌کردند. پیشگامان این رشته، جدایی بین نظریه و عمل قائل نبودند. شناخت قبل از ارائه طرح و باغ شهرها از مفاهیم اصلی نظریه برنامه‌ریزی در قرن پیش بوده‌اند. حرفه‌مندان و نظریه‌پردازان و همچنین فرایند و محتوا یکی هستند.

نوشتار و طرح

در دهه ۱۹۲۰ میلادی، ایالات متحد آمریکا اولین گام را در جهت تضعیف جایگاه طرح با پیشنهاد ایده منطقه‌بندی به عنوان شاخصی از رشد شهر و حومه شهر برداشت. تصمیم دادگاه عالی در سال ۱۹۲۶ (در مورد شرکت توسعه روستای اوکلید و امیلر [۱۸]) قانون منطقه‌بندی مصوب ۱۹۲۴ باعث تغییر تأکید از طرح، طراحی و فرم شهر به منطقه‌بندی، قوانین و کاربری زمین شد. با انتشار سند استاندارد منطقه‌بندی در سال ۱۹۲۸ حقوق‌دانان و برنامه‌ریزان به عنوان حرفه‌مندان هدایت کننده شکل‌گیری سیاست رشد شهری، جایگزین طراحان و مهندسان شدند. نوشته تأثیرگذار والکر (۱۹۴۱) به این جابه‌جایی از طراحی به سمت نوشتار اشاره دارد.

خطوط واقع بر نقشه‌ها تصمیم می‌گیرند که

"چه کسی، چه چیزی را چه وقت و چگونه دریافت کند"

بعد از پایان جنگ جهانی دوم تلاش‌های برنامه‌ریزی ملی در سطح جهان دیگر به سمت تولید ابزارها و وسایل نظامی گراشی نداشت. با بازگشت سربازان و ملوانان به خانه‌های خود، اولویت برنامه‌ها و برنامه‌ریزی ملی بر برنامه‌ریزی محلی، ادامه یافت، همانند وضعیتی که این برنامه‌ها در طول جنگ و فشار پیش از آن داشتند! مردان و زنان شاغل در بخش خدمات و فرزندان آنها نیازمند مسکن و مدرسه بودند. هنگامی که طرح مارشال به اروپای آسیب دیده از جنگ برای بازسازی شهرها و زیرساخت‌ها کمک می‌کرد، بخش دیگری از ظرفیت تولیدی آمریکا برای ساختن بزرگراه‌ها و حومه‌ها و بازسازی شهرها "محروم" با پاکسازی مناطق زاغه نشین، به کار گرفته شده بود.

برنامه‌ریزی ملی به دلیل مقیاس آن، در مقایسه با طراحی و مکان حساسیت کمتری نسبت به برنامه‌ریزی در مقیاس محلی دارد. این برنامه، برنامه‌های تجدیدپذیر را ترجیح می‌دهد و به تخصیص کردن برنامه‌ریزی کمک می‌کند. برنامه‌های بزرگراهی فدرال و نوسازی شهری، مشکل شهرها و برنامه‌ریزی آنها را که بر اساس برنامه‌های ملی در آمریکا از دهه پنجاه به بعد تهیه شده بودند، پیش بینی کردند. این برنامه‌ها سلطه متخصصان و سقوط افراد همه فن حریف را به رغم اظهارات افرادی چون جیکوبز در "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" (۱۹۶۱) و مک هارگ در "طراحی با طبیعت" (۱۹۶۹) تضمین کرد. این جدایی در سایر حیطه‌ها نیز به خوبی به وقوع پیوست. به جای نگاه بوم شناسانه به محیط زیست در آمریکا برنامه‌ها - و نه طرح‌ها - ی جدا از هم برای هوای پاک، آب پاکیزه، گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر، سواحل، مناطق سیل خیز، مواد زائد و جز اینها و به وجود آمدند. این گونه تکه تکه شدن و تفرق نشان از نیاز به نوعی هماهنگی، از آن دست که در طرح‌های جامع ترکیبی به طور طبیعی موجود بود، داشت.

بعد از اینکه برنامه‌ریزی در زیرمجموعه‌های انتظام یافته، بخش بخش شد، کار بر روی مسکن، حمل و نقل، طراحی شهری، کاربری زمین، محیط زیست، توسعه اجتماع محلی و توسعه اقتصادی در دفاتر و با برنامه‌های جداگانه در کشور

صورت گرفت. برنامه‌ریزی و سیاست عمومی به "بخشی شدن" دچار شده بود (Wildavsky) در این مرحله، تکنیسین‌ها ماکت‌های بزرگ مقیاس را رواج دادند که با منطق ابزاری و تئوری عمومی سیستم‌ها همخوانی داشت و استقرار برنامه‌های ملی بزرگ مقیاس به وسیله مؤسسات ملی جدید را مرسوم کرد. چنین ماکت‌هایی در معرض انتقادات زیادی از لحاظ تکنیکی (Lee 1973) و اخلاقی و هستی‌شناسی (Tribe 1972) قرار گرفتند.

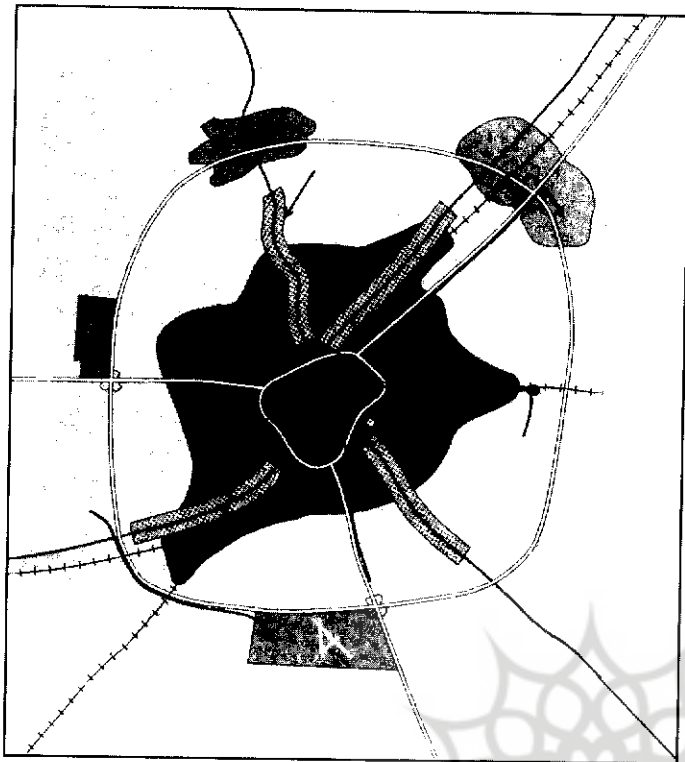
در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم نیروی جدیدی، برنامه‌ریزی را وارد مرحله تازه‌ای کرد. نگاه‌های خصوصی ساخت‌وساز به عنوان نیروهای قدرتمندی ظاهر شدند که افراد محلی تنها می‌توانستند. در مقابل آنها واکنش جزئی نشان بدهند. این گروه خانه‌های پراکنده در محوطه‌های بزرگ مسکونی (حومه چند تکه‌ای) را شکل دادند که دارای مراکز خرید در چند نقطه بودند. استاندارد کردن طرح‌ها و نقشه طبقات، ضوابط ملی ساختمان‌سازی و تسهیلات مالی آسان، بسازو بفروش‌های شهری را قادر ساخت که به تولید انبوه خانه‌های کوچک و قوطی کبریتی بپردازند و نواحی سنتی را که تا آن زمان هنرمندانه ساخته شده بودند، دگرگون سازند. ابزارهای جدیدی مانند ساخت و سازهای واحدی برنامه‌ریزی شده [۱۹] باعث پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر پروژه‌های بزرگ مقیاس شدند. تفکیک‌های جدید مناظر جدیدی از خانه‌های پراکنده به وجود آوردند، و بدین ترتیب بسازو بفروش‌های شهری بر قدرتهای محلی تفوق یافتند و کنترل تراکم‌های محله و سرنواشت شهرها به دست آنها افتاد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که برنامه‌ریزی و طرح‌های عمومی راهنمایی هستند برای دست‌اندرکاران ساخت‌وساز در شهر، مهندسان بزرگراه‌ها، کارمندان فدرال نوسازی شهری، متخصصان محیط‌زیست و گزارش‌های تأثیرات زیست‌محیطی و حقوق‌دانان. متونی مانند کتاب برنامه‌ریزی سایت از کوین لینچ (۱۹۶۲) و قانون برنامه‌ریزی زمین در آمریکا از نورمن ویلیامز (۱۹۷۴) بر تمام نسل‌ها تأثیر گذاشتند، در حالی که کتاب طرح عمومی شهری از کنت (۱۹۶۴) از نظر دور ماند. تصمیمات دیوان عالی و برنامه فدرال بیش از طرح‌های عمومی جدید نظر برنامه‌ریزان را به خود جلب کرد. طرح‌هایی که تهیه می‌شدند از طرح‌های کالبدی قبلی متفاوت و متمایز بودند. این طرح‌ها، طرح‌های سیاستی بودند انباشته از اهداف کلان، اهداف خرد، سیاست‌ها، معیارها، استانداردها و برنامه‌ها و همچنین نمودارها، شکل‌ها، طرح‌ها و ماتریس‌ها. این طرح‌ها معمولاً فاقد تصویرهای گرافیکی یا پیشنهادهایی برای فرم شهری بودند. برنامه‌ریزی از الگوهای سیستمی و روش‌های کمی - که با سیاست‌ها، نهادها و سایر عوامل بیرونی سروکار داشت -

بهره گرفت. فن‌سالاری جدید برنامه‌ریزی، اصول سلسله‌مراتب و هماهنگی را (طرح - برنامه - بودجه - طرح - مقررات - مجوز: سطوح ملی - ایالتی - منطقه‌ای - محلی) با ترتیبی خطی پذیرفت و به کار گرفت. بعضی از نظریه‌پردازان هم این روش را پی‌گرفتند (Mclaughlin 1964; Chadwick 1974) و سایر نظریه‌پردازان به ظاهر طرح را جذف کردند. (Dyckman 1965, Godschalk 1974) طرح را نویسندگانی مانند برایان بری مورد هجو و تمسخر قرار دادند. وی در کتاب "نکاتی در سفر به سرزمین طرح" [۲۰] به برنامه‌ریزان مانند "کشیشانی" نگاه می‌کند که در خدمت خدای سرزمین طرح یعنی طرح هستند (Berry, 1978, 201) حرفه‌مندان پیشرو یا طرح‌های عملگردی را برگزیدند (Jacobs 1978)، یا برنامه‌ریزی عادلانه را به جای طرح جامع انتخاب کردند (Krumholz 1978) حدوداً در همان زمان انقلاب آرامی در برنامه‌ریزی ایالتی صورت گرفت که نقش‌های جدیدی به برنامه‌ریزی و دولت ایالتی داد. برنامه‌ریزی ایالتی معمولاً طرح‌هایی را تعیین می‌کرد که مملو از اهداف کلان، اهداف خرد، معیارها و استانداردهایی بودند که تابع قوانین دولتی بودند. خلاقیت، مذاکره و طرح‌های کالبدی بر پایه طراحی آشکارا در این رویکرد برنامه‌ای نادیده گرفته شدند. نظریه برنامه‌ریزی در این دوره اگرچه زاینده بود، ولی نسبت به اینکه چه چیز برنامه‌ریزی است، شبهه داشت. (Alexander, 1984) مباحثات دوبخشی به نظریه خلاصه می‌شد: محتوا در برابر زمینه، عقلانی در برابر سیاسی، جامع در مقابل رشد یابنده، کل در برابر فرایند. یک چیز مشخص و واضح است و آن اینکه نظر و عمل از هم مجزا بودند. کاستلز ظهور این افراد را پیش‌بینی کرده بود (۱۹۷۸).

حرفه‌مندان برای انجام کارهای شان از واقعیت‌های شهری بهره می‌گیرند و نه از نظریه‌ها. یکی از این واقعیت‌ها خود دولت است. درگیر شدن اکثر سطوح دولتی، افزایش سرسام‌آور مجوزهای قانونی تکثیر و ازدیاد برنامه‌ها، خرد شدن و تخصصی شدن مؤسسات در میان رشته‌های حرفه‌ای فرعی و ورود گروه‌های جدید ذی‌نفع، باعث پیدایش تصویری از برنامه‌ریزی شد که کوتاه‌زمانی بیش عجیب و ناآشنا بود. به این ترتیب بود که هماهنگی اهمیت بسیار زیادی یافت (Bosselman, Feurer and Sirmon 1976).

هماهنگی و تناسب ایده جدیدی نبود. در سال ۱۹۱۱ پاتریک ابرکرامبی به "ضرورت" همکاری اشاره کرد. تلاش‌های اولیه برای هماهنگی از مدل سلسله‌مراتبی در سطح اقدام فدرال پیروی می‌کرد. بعدها "انقلاب آرام" مداخله دولت در کاربری زمین و رشد مدیریت هم این قالب را شکست. فلوریدا مظهر برنامه‌ریزی ایالتی در دهه ۷۰ و ۸۰



است. قوانین فلوریدا "سازگاری" بین طرح‌های محلی، منطقه‌ای و ایالتی را اجباری کردند. قوانین جامع و تفصیلی و مقررات به دقت مشخص شدند. در این میان جای چندانی برای تغییر یا تفسیر وجود نداشت و این خود برنامه‌ریزی محلی را تضعیف می‌کرد (Baswell and Stiffel, 1996). قوانین اجازه بروز تفاوت‌ها را نمی‌دادند. هماهنگی در واقع رویه‌ای بود که معیارهای آن از بالا تعیین و تجویز می‌شد. با این روش، برنامه‌ریزی آمریکایی به تلاش‌های اولیه در نظام اداری به شدت متمرکز و سلسله‌مراتبی اروپا شکل گرفته بود شبیه شد - مانند فرانسه، ایتالیا و اسپانیا. این گونه بود که محدودیت‌های آموزه سازگاری، مشخص گردید (Dimento, 1980).

سازگاری و سایر رهیافت‌های خشک، با پیچیدگی و سرعت تغییر در شهرها و اداره آنها همراه شد. علاوه بر این شیوه‌های جدید زندگی که در آنها انعطاف و تحرک شرط است، رشد پیدا کرد. برنامه‌ریزان از طریق تعیین قلمرو و دامنه برنامه‌ریزی با این توسعه‌ها وفق یافتند. آیا تنها سازگاری کافی بود؟ آیا به طور کلی فرایند کفایت می‌کرد؟ بعضی‌ها اصرار به بازگشت به برنامه‌ریزی کالبدی و طراحی شهری داشتند (Jacobs and Appleyard 1987). دیگران بر تکیه بیشتر بر سیاست‌ها تأکید داشتند (Low 1991). نقد دیویدوف که بر ارائه خواست‌های مطرح‌شده اصرار داشت، شروع به ریشه‌یابی تنظیمات نهادی کرد (Krumholz & Forester 1990).

(Clavel 1986). فرایندها خواسته‌ها و منافعی را در برمی‌گرفتند که قبلاً نادیده گرفته شده بودند. شهروندان و سایر گروه‌های ذی‌نفع سازماندهی شده (برای مثال، محله‌ها، انجمن‌ها شهری، سازمان‌های زیست محیطی و گروه‌های دست‌اندرکار ساخت و ساز) از این وضع سود بردند. ضوابط برنامه‌ریزی برای الزامی کردن مشارکت عمومی دوباره بازنویسی شدند، که از جمله آنها قوانین کنترل تأثیرات زیست محیطی و حمایت از گونه‌های در معرض خطر بود. وارد کردن گروه‌های ذی‌نفع این نتیجه پیش‌بینی شدنی را داشت که تضادها افزایش باید. با معرفی منافع جدید (و در نتیجه تضادها) ارتباط سیاستمداران با این مباحث بیشتر شد و آنها نقش مهم‌تری برای برنامه‌ریزی قائل شدند. برنامه‌ریزی صفحه اول اخبار بود. برنامه‌ریزان به طور فزاینده‌ای کرسی‌های کنگرس، مجالس ایالتی، شهرداری و شوراها، مدیریت شهرها و مناطق، و رهبری دانشگاه‌ها را اشغال کردند. این پیشرفت‌ها با نظریه برنامه‌ریزی هدایت نمی‌شد بلکه برنامه‌ریزان با دانش محلی به موقعیت‌های محلی واکنش نشان می‌دادند. در مواجهه واقعیات جدید، برنامه‌ریزان جدیدی به وجود آمدند (Innes, Gruber, Neuman and Thompson 1999) و نوع آنها ثمر بخش بود.

هماهنگی، از سازگاری اجباری از بالا به پایین و پذیرش خشک به سمت پذیرش دو طرفه و داوطلبانه طرح‌ها از طریق مقایسه و مذاکره حرکت کرد و این روش "پذیرش دوسویه" نام گرفت (New Jersey State Legislature 1986). تصور حاکم بر هماهنگی، زان پس دیگر مشخصاً از بالا به پایین یا پایین به بالا نبود بلکه به جوانب نیز توجه داشت. حرکت متناوب به تمام جوانب، معرف چرخه‌ای موفق از مذاکرات چند جانبه و هماهنگی مطلوب است. جلب توافق عمومی شعاری تازه بود (Susskind and Cruikshank 1987, Ozawa 1991). با توسعه اقدامات همراه با اجماع عمومی، برنامه‌ریزان اندیشه اجماع تعریف شده را پذیرفتند. تأکید بر رسیدن به اجماع ناگزیر به تنوع‌ها طبیعی و ناهمگونی‌های درونی در جوامع تکرار اجازه ظهور داد. برنامه‌ریزان به رویکردهای عملی‌تر روی آوردند (Blanco 1994) تعامل همه جانبه فرم‌های شبکه‌ای شده ساختار سرزمینی و نهادی را که برنامه‌ریزی با آن مرتبط است، منعکس می‌کرد. به عنوان مثال در تجربه برنامه‌ریزی نیوجرسی، قوانین فلوریدا عوض شدند تا به نظریه پذیرش دوسویه اجازه عمل داده شود. "همکاری، تعاون و اجماع نظر" به جای "جامعیت، تداوم و هماهنگی" نشستند.

از حدود سال ۱۹۶۰ تا ظهور سنت‌گرایان جدید "فرایند" به جای مکان مورد تأکید فرار گرفت. اینکه چگونه طرح ریخته شود و برای چه چیزی نه، ذهن برنامه‌ریزان را به خود مشغول کرد. طرح‌ها با نوشتارها اعداد به جای نقشه‌ها و طرح‌ها پر شدند. پیش‌بینی آینده مکان‌های برنامه‌ریزی شده به دلیل ابهام اطلاعات آماری و تحلیل‌های کمی،

دشوار گردید و اجرا نیز به عنوان یک موضوعی جدی مطرح شد (Pressman and Wildausky 1973). دوگانگی طرح- اجرا در عمق طرح‌های کمی زاییده شد. چگونه یک ماتریس را می‌توان اجرا کرد؟ طرح‌های سیاستی نیز وضعیت بهتری نداشتند. چگونه می‌توان هدف یا سیاستی مبهم را اجرا کرد؟ نتیجه دیگر جایگزینی مکان با فرایند، جداسازی رشته‌هایی بود که زمانی با برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای پیوند عمیق داشتند. این رشته‌ها به مطالعه اهداف برنامه‌ریزی می‌پرداختند: جغرافیا، جامعه‌شناسی شهری و روستایی، علوم منطقه‌ای، معماری و تاریخ شهری. هنگامی که برنامه‌ریزی با فرایند درهم آمیخت و از شهر دور شد، با این حال تلاش برای حفظ ایده آل جامع آن باقی ماند. در این زمان آنچه ایده آل می‌نمود تقریباً به طور کامل از محتوای خود جدا شد. برنامه‌ریزی نیز دیگر در شهرها عمل نمی‌کرد بلکه در سایر مؤسسات و نهادها فعالیت داشت.

یک پارادایم دیگر

وقتی که برنامه‌ریزی برای مکان‌ها بار دیگر برجسته می‌شود، می‌توان چندین طرح نمونه و آرمانی تشخیص داد که در عمل بسیار شاخص‌اند. یکی از این نمونه‌ها طرح کالبدی سنتی است، که در مقایسه طرح‌های شهرگرایان جدید با طرح‌های طراحان شهری متقدم، ویژگی‌های آن مشخص می‌شود (Nolen 1916, Hegemann & Peets 1922). دیگری طرح راهبردی است؛ گرایشی که از مدارس مدیریت (Porter 1980, 1985) اکنون به بخش عمومی وارد شده است (Bryson 1988). آنچه را که طرح‌های راهبردی بخش عمومی پی می‌گیرند، ساختاربندی مجدد، خصوصی‌سازی، دولت به عنوان نوعی بنگاه، و خدمات به مشتری است (Osborne and Gaebler, 1992). راهبرد فضایی در بخش عمومی معمولاً به بازاریابی شهری تغییر شکل می‌دهد (Kearns and Philo 1993). طرح سوم شامل طرح‌های زیست محیطی و اجتماعات محلی است که دامنه گسترده‌ای از منافع و گروه‌های ذی‌نفع را در برمی‌گیرد. مثال آن شامل طرح‌های حفاظتی هبیتات برای محافظت از گونه‌های در معرض خطر و طرح‌های محلی است که با همکاری شرکت‌های توسعه اجتماع محلی در هسته قدیمی شهر صورت می‌گیرند. وجه مشترک این سه نوع طرح، تمرین رهبری از طریق "بینشی" است [که می‌تواند به اشتراک گذاشته شود] که عبارتی است به عاریت گرفته شده از نوشته فیث مورای در زمینه ای دیگر (Firth Murray, 1995). تجربه نشان داده است که بعضی از طرح‌ها اثربخیزی دارند. بدتر اینکه بعضی طرح‌ها نتیجه معکوس می‌دهند و باعث فجایی می‌شوند (Hall 1980). این انتقادات آشنا بر طرح‌ها وارد شده‌اند: طرح‌ها اگر به قدرت وصل نباشند در حاشیه قرار می‌گیرند. طرح‌ها توسعه را محدود می‌کنند و به "بازار آزاد" آسیب می‌رسانند. طرح‌ها، در مقابله با نگرانی‌های روزمره بسیار کلی و آینده‌گرا هستند. طرح‌ها برای آماده شدن وقت زیادی می‌برند و وقتی که تصویب شدند، تحت سیطره وقایع روز قرار می‌گیرند. طرح‌ها تلاش دارند به نتایج متعدد برسند و نهایتاً کار چندانی انجام نمی‌شود. این نکته‌ها تاریخچه‌ای طولانی از مباحثاتی را که دوباره احیا شده‌اند، دارند (Blanco 1994, Luey 1994, Innes 1996, Multari 1996,....).

اخیراً نظریه پردازان تمایل به ابعاد قیاسی و ارتباطی برنامه‌ریزی و سیاست پیدا کرده‌اند. برخی انشعابات به اهمیت وقایع بردازی و استعاره‌ها [۲۱] اشاره کرده‌اند. بعضی‌ها اقدامات انجام گرفته در عرصه برنامه‌ریزی و سیاست را به تأثیرات فرهنگ مدنی (Putnam 1995)، فرهنگ نهادی (Douglas, 1986)، فرهنگ سیاسی و فرهنگ برنامه‌ریزی (Mangada 1984) نسبت می‌دهند. همزمان نویسندگان معروف و مشاوران به بمباران لفظی با عباراتی چون "بصیرت"، "اختراع مجدد"، "تفکر دوباره"، "مهندسی دوباره"، "ساختار بندی مجدد" و "کوچک سازی" پرداختند. وقتی که دنیا تغییر کرد، چیزهای بزرگ و عظیم‌الجثه [۲۲] بی‌مصرف شدند و سلسله مراتب نیز از مد افتاد. در برنامه‌ریزی، دامنه گسترده‌ای از روش‌ها و نظریه‌ها برای پرکردن این شکاف‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند که، در کل گونه‌هایی از هماهنگی بدون سلسله مراتب (Chisholm 1989) در جامعه شبکه‌ای هستند. "بام" (Baum 1996) حداقل چهار نوع فرموله کردن نظریه برنامه‌ریزی را نشان می‌دهد. در میان این هیاهو، اعلام وجود یک پارادایم جدید، جالب توجه است (Innes, 1995).

تحول سه نظریه کلاسیک برنامه‌ریزی

راه دیگر برای نشان دادن دوره و مسیر طرح‌ها، تحلیل تغییر متون اصلی در طی زمان است در اینجا بد نیست سه متن از آمریکای شمالی بررسی گردند. پژوهشگران سایر ملت‌ها نیز می‌توانند این تحول را در مجموعه‌های خودشان پیگیری کنند. کتاب‌هایی که در اینجا بررسی می‌شوند، ویرایش‌های مختلف "کتاب سبز" از انجمن بین‌المللی مدیریت شهری [۲۳] اکنون با عنوان تجربه برنامه‌ریزی دولت محلی، برنامه‌ریزی کاربری شهری از استوارت جیپین و

برنامه‌ریزی شهری با ویرایش جان نولن هستند.

"برنامه‌ریزی شهری" در سال ۱۹۱۶ به وسیله انجمن ملی شهرداری‌ها [۲۴] به چاپ رسید و شاخصه برنامه‌ریزی آمریکا شد. ویرایش دوم آن در سال ۱۹۲۹ منتشر شد. تنها هدف کتاب تشریح چگونگی آماده کردن یک طرح شهری بود که امر ناگزیر و لازم برنامه‌ریزی است. سپس در عنوان فرعی "مجموعه نوشته‌های ارائه شده درباره عناصر لازم یک طرح شهری" این موضوع واضح‌تر بیان شد. فردریک لای و اولمستد این طرز فکر متداول را در مقدمه کتاب تشریح کرد. هویت پیچیده موضوع و فقدان محدودیت‌های تعریف شده در مورد محتوای آن، باعث تقویت جاذبه‌های آن برای تصویر سازی شد. طرح بر برنامه‌ریزی سلطه داشت و این تنها نکته اصلی این کتاب بود.

دو ویرایش اول کتاب سبز انجمن بین‌المللی مدیریت شهری که سپس عنوان آن به "اداره برنامه‌ریزی محلی" تغییر کرد، طرح را به عنوان اصل سازمان دهنده (Segoe 1941; Menhimick 1945) در نظر گرفت. در ویرایش سال ۱۹۵۹ که به وسیله "ماری مک‌لین" صورت پذیرفت، عمدتاً از زبان ویراستاران قبلی در فصل مقدمه بهره گرفته شد. هنوز هم با خواندن این کتاب و مرور ساختار آن، حرکت از توجه به طرح تا تأکید بر هم طرح و هم فرایند، نمایان می‌شود. مک‌لین اولین فصل را با این عبارت به پایان می‌برد: "مسائل اساسی و عمده‌ای که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: روشی که با آن شهر سازمان می‌یابد و قدم‌هایی به سمت ایجاد طرح جامع بر می‌دارد و کمی مهم‌تر از آن رویه‌هایی است که طرح را درک پذیر می‌سازد." (Mc Lean, 1959, 22). ویرایش‌های بعدی از طرح عمومی به عنوان اصل سازماندهی برنامه‌ریزی شهری دورتر شده‌اند و هریک تنها یک بخش در این خصوص دارند.

شاید هیچ متن دیگری، تقسیم‌بندی و علمی کردن برنامه‌ریزی و نزول طرح جامع طراحی محور را بهتر از آنچه استوارت چپین در شاهکار خود به نام "برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری" تشریح کرده است، در خود نداشته باشد. این کتاب شیوه برنامه‌ریزی را که در آمریکا اعمال شده بود، با انتقال هسته برنامه‌ریزی از طراحی به کاربری زمین، تغییر داد. به این ترتیب حرکت از "واحد پیچیده" شهر به واحدهای تقسیم‌بندی شده زمین‌های ساخته شده و ساخته نشده آغاز گردید، که این زمین‌ها یا دارای زیرساخت و ساختمان بودند و یا نوع کاربری و تراکم آنها مشخص بود.

تنوع در ابزارهای مورد استفاده برنامه‌ریزان در سال‌های اخیر، این حرفه را غنی‌تر کرده است؛ اما برای دستیابی به حداکثر کارایی و استفاده از پایه‌های قانونی مطلوب، لازم است این ابزارها با طرح ارتباط برقرار کنند. به هر حال این طرح است که به برنامه‌ریزی [طرح‌ریزی] نام می‌بخشد

چپین از منطق تناسب کاربری زمین، به عنوان راهنمایی برای محاسبه عرضه کاربری زمین و هماهنگ کردن آن با تقاضا بهره گرفته است. همان گونه که کتاب اشاره می‌کند، برنامه‌ریزی کاربری زمین بخشی از برنامه‌ریزی جامع است که تجزیه و تحلیل کمی را در تحلیل طراحی مورد تأکید قرار می‌دهد. نسخه‌های بعدی کتاب کمی‌تر شدند (Chapin 1957; 1965; Chapin and Kaiser, Kaiser 1979; Godschalk and Chapin, 1995).

بخشی از موفقیت کتاب از این امر ناشی می‌شد که مبنای کاربری زمین (در مقابل مبنای کل شهر) با شیوه‌ای که نهادهای آمریکای شمالی با دارایی‌های منقول بر خورد می‌کنند (اسناد زمین، قوانین، منطقه بندی) همخوانی بیشتری داشت. علاوه بر این کمی شدن فزاینده مدل‌های کاربری زمین چپین، با کمی شدن فزاینده علوم اجتماعی و حرفه‌های وابسته به خوبی هماهنگ شد. این اصول به دلیل روش‌شناسی جهان شمول و تکرار پذیر آن تا دور دست‌ها و در سطحی وسیع گسترش یافت. تقسیم‌بندی زمین به کاربری‌ها و سایر دسته‌های تجزیه و تحلیل بر فناوری‌های نظارتی گوناگونی که در کنترل زمین مورد استفاده قرار می‌گرفت، افزود. عناوین متون قانونی اصلی برنامه‌ریزی در آمریکا پس از ۱۹۷۰، گواهی است بر این موضوع (Hagman 1971, Rohan 1977; Mandelker and... 1979) با مدل کنترل کاربری زمین، برنامه‌ریزی از ذهنیتی تفکیک شده و فاتحانه بهره گرفت که با ذهنیت طرح‌های فیزیکی سابق متفاوت بود.

قدرت رؤیا

ورزشکاران برای تحقق رؤیاهای خود به بازیهای المپیک می‌آیند. در بازی‌های ۱۹۹۶ آتلانتا اهنگی با مضمون "قدرت رؤیا" خوانده شد که علاوه بر به تصویر کشیدن عملکردهای ورزشکاران در سطح جهانی، بیش از رقابت آنان، در ذهن ایشان تصویر ذهنی قوی برای برنده شدن ایجاد می‌کرد.

این تصاویر آنان را به تمرین در سطوح خارق العاده و رسیدن به سطوح ابر انسانی در تمرکز، اعتقاد و نظم ترغیب می‌کرد. طرح‌های قانع‌کننده نیز قدرت رؤیا را دارند. تصاویر و پندارها از جمله مواردی در این طرح‌ها هستند که می‌توانند اذهان را برانگیزند، آرزوها را بیدار کنند و الهام بخش فعالیت‌ها باشند (Lyndon and Moore 1994,....). (Boulding 1956; Burnette 1973; Hall 1988).

طبیعت مصوری که تصاویر، طرح‌ها و نقشه‌ها در طرح‌ها دارند، به طرح‌ها کیفیتی می‌بخشد که سایر ابزارهای سیاست عمومی اغلب فاقد آن هستند. به دلیل همین ویژگی‌هاست که طرح به عنوان بخش مهمی از میراث عقلانی رشته ما محسوب می‌شود. اما چرا اخیراً چیز زیادی در مورد این مزیت طرح نوشته نشده است؟ (به عنوان استثنا، ← Black 1997)

تصاویر، ظرفیت طرح را برای تغییر ذهنی افراد ارتقا می‌دهند و طرح‌ها را به نهادهای سیاسی تغییر مبدل می‌سازند. بهره‌گیری از تصاویر همچنین برنامه‌ریزان را قادر می‌سازد تا از شبکه‌های رسانه‌ای قدرتمند بهره‌برداری کنند. ما در فرهنگی به سر می‌بریم که تصاویر بر اقبال تسلط دارند و آن را تعیین می‌کنند

با این همه تصاویر در برنامه‌ریزی به طرح‌ها محدود نمی‌شوند و خلق آنها منحصر به کار برنامه‌ریزی نیست یکی از برانگیزاننده‌ترین تصاویری که در حرفه ما شکل گرفته "لبه شهر" ۲۵۱ است (Gerreau 1991). این تصویر دقیقاً به این علت پذیرفته شده است که در زمان حاضر پدیده‌ای را که برنامه‌ریزان با آن مواجه‌اند تسخیر کرده است. مشکل به متخصصان خارج از این حرفه منتقل شده است: "شبکه‌ای از دانه‌های پراکنده"، "مناطق کلان شهری چند مرکزی"، "پهنه‌های پراکنده"، "انبوه سکونتگاه‌ها" و جز اینها.

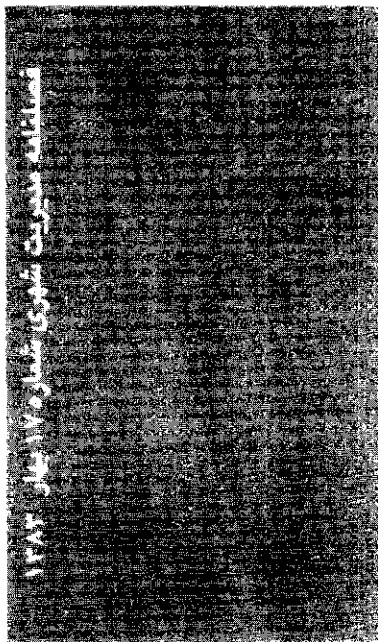
در جمع بندی کلی، طرح‌ها و تصویرها دستورکار تحقیقی را برای تحلیل کنندگان به وجود می‌آورند و دستورکار فعالیتی را برای اجرا کنندگان، چارچوب چنین دستورکاری در ادامه آمده است. با بهره‌گیری از این معیارها می‌توان راه جدیدی را که به طرح‌ها خصوصیتی متفاوت از شکل پیشین آن می‌دهد ارزیابی کرد. کار با ارزشی در زمان حاضر در این زمینه شروع شده است. مطالعات دقیق در مورد توسعه طرح - محور (Healey 1990; Healey et al 1997) و دکترین برنامه‌ریزی طرح - محور (Faludi and Van der Valk 1994) نشان می‌دهد که طرح‌ها تأثیرات گسترده عمیقی داشته‌اند. برای مثال، تفاوت میان طرح‌های راهبردی که تغییر را موجب می‌گردند و طرح‌های نظارتی که وضع موجود را حفظ می‌کنند (Mazza 1995)، به ملاحظات بنیادین اشاره دارد.

طرح‌ها آرزوی جمعی را ترسیم می‌کنند

طرح‌ها به برقراری ارتباط میان مردم و مکان‌ها، از طریق گردهم آوردن آنها برای شکل دادن به سرنوشتی مشترک به مکان‌ها و خودشان، کمک می‌کنند. در انجام این کار، طرح‌ها گذشته، حال و آینده را به موقعیتی دلخواه می‌رسانند. طرح در واقع تاریخ و داستان مکان است. علاوه بر این ضروری است تا بشر به عنوان موجودی خاکی، مکان خانه خود را برای بقا و رفاه خود کنترل کند. طرح بایستی معنای اصلی بیان کنترل باشد، زیرا که طرح تنها مفهوم زمین - مناسب است که با واحد مکان سروکار دارد. لازم است تا ما ارتباط میان مردم، مکان و طرح را بهتر در یابیم تا طرح‌ها بتوانند بیش از آنکه پاسخگوی قوانین باشند، به ساکنان پاسخ دهند (Boyer 1997; Hayden 1995; Schama 1995; Violich 1997).

طرح‌ها برای وصف آرزوهای جمعی از تصاویر مکان بهره می‌گیرند

تصاویر داستان‌های استعاری، طراحی‌ها و نقشه‌ها، تصاویری را در چشم ذهن نقاشی می‌کنند. کنت بولدینگ [۱۲۶] نشان داد که وقتی تصویر ذهنی عوض می‌شود، ذهنیت نیز تغییر می‌کند. تصاویر، ظرفیت طرح را برای تغییر ذهنی افراد ارتقا می‌دهند و طرح‌ها را به نهادهای سیاسی تغییر مبدل می‌سازند. بهره‌گیری از تصاویر همچنین برنامه‌ریزان را قادر می‌سازند تا از شبکه‌های رسانه‌ای قدرتمند بهره‌برداری کنند. ما در فرهنگی به سر می‌بریم که تصاویر بر اقبال تسلط دارند و آن را تعیین می‌کنند. هرچه بیشتر درباره انواع تصاویر به کار رفته در طرح‌ها و برنامه‌ریزی بدانیم، موفق تر خواهیم بود (Lynch 1981; Newman 1996).



طرح‌ها کانون‌های برخورد هستند

طرح‌های جامع، مردم، رشته‌ها، عملکردهای شهری، مشکلات، منافع و ایده‌های گوناگون را در مجموعه‌ای نهادینه گرد هم می‌آورند. وقتی این موارد با هم اختلاف پیدا می‌کنند، طرح‌ها کانون برخورد می‌شوند. برخورد بخش ضروری برنامه‌ریزی و سیاست است. بدون برخورد، طرح‌ها و برنامه‌ریزی به موضوعی غیر سیاسی بدل می‌گردند و بنابراین بی‌مفهوم می‌شوند. طرح‌ها می‌توانند برای تنظیم دستور کارها و رفع برخوردها مورد استفاده قرار گیرند، زیرا آنها "متون مجرد" ایده آلی هستند که مشارکت کنندگان در ساخت طرح برای تصمیم‌سازی به آن تکیه می‌کنند (Moore 1986; Forester 1989). اگر تهیه طرح به واقع تکثرگرا و مشارکتی باشد و نه تنها "فراهم آوردن پاسخ کارکنان به دیگران"، آن‌گاه می‌تواند اجتماع محلی را بر پایه اصول اجتماعی، فکری و سیاسی آن بسازد.

طرح‌ها قدرتمندند، زیرا در ساختار قدرت ساخته می‌شوند

طرح با سنگر گرفتن در نهادهای حکومتی، اختیار زیادی به دست آورده است. طرح‌ها هم "بنیادین" و هم "تنظیم‌کننده" اند (Griffin 1995). آیا طرح‌ها هنوز به پتانسیل کامل برای تغییر که از این موقعیت قدرت نشأت می‌گیرد، دست نیافته‌اند؟ واضح است که سازندگان طرح بایستی از سیاست‌ها و نهادها سر در بیاورند (Christensen 1993). علاوه بر این، لازم است آنها از قدرت نهادی خودشان آگاه باشند و علاوه بر دارا بودن دیدی انتقادی، توان "صحبت درست با قدرت" را داشته باشند (Wildavsky 1979). با این حال، این حرفه مدت‌هاست که به اهمیت سیاست پی برده است. حرفه‌مندان اغلب هنوز در رقابت سیاسی با کنار گذاشته شدن دست و پنجه نرم می‌کنند. بنابراین نقدهای ادواری هنوز طنین‌انداز هستند، حتی با وجود اینکه پیغامی حیاتی را تکرار می‌کنند (Meyerson and Banfield 1955; Altschuler 1965; Wildavsky 1973,...). چطور تحقیق می‌تواند در انجام این تعهدات به راستی به برنامه‌ریزان کمک کند؟ آیا برنامه‌ریزان خطا اول می‌توانند به شکلی کارآمدتر در طراحی تحقیق شرکت کنند؟

طرح‌ها حرفه و نهادهای برنامه‌ریزی را ساخته‌اند

طرح‌ها همچنین برای طراحی و طراحی مجدد نهادهای دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرند (...; 1983; 1978; 1969; Castells). این کیفیت فراگیر طرح‌ها از ارتباط آنها با قوانین نشأت می‌گیرد (Haar 1955; Baer 1994; 1996). درک بهتر این کمک از طریق طرح‌ها می‌تواند منافع را برای دولت‌های ما، اجتماعات محلی ما، حرفه ما و خود ما در برداشته باشد.

ایانوشتا

خطوط قدرت: خطوط واقع بر نقشه‌ها تصمیم می‌گیرند که چه کسی، چه چیزی را چه وقت و چگونه دریافت کند.

طرح‌های شهری و ضوابط پهنه‌بندی اشکال متمایزی دارند؛ و نقشه‌ها خطوطی دارند که مرزها را مشخص می‌کنند. غالباً محققان این ویژگی را به رغم اهمیتی که دارد نادیده می‌انگارند. حرفه‌مندان عاقبت طلب تلاش می‌کنند که از ترسیم خطوط سرباز زنند، زیرا این خطوط تضاد و خشم را برمی‌انگیزد. اگر هارولد لاسول برنامه‌ریزی شهری را مطالعه کرده بود، قطعاً عبارت "در کجا" را هم به عنوان مقاله "سیاست، چه چیزی را در چه زمان و چگونه دریافت می‌کند"، اضافه می‌کرد (Laswell, 1936). با توسعه حکمروایی شهری به وسیله طرح‌ها و پهنه‌بندی نیز شاخصی برای برنامه‌ریزی است. هر برنامه‌ریز یا سیاستمداری می‌داند که وقتی خطوط ترسیم می‌شود، برخوردهایی رخ می‌دهد. خطوطی که این تأثیر را دارند نه تنها در نقشه‌های طرح و پهنه‌بندی بلکه حتی در سایت پلان‌ها، طرح‌های حمل و نقل نمودارهای جریان فرایند، و نمودارهای سازمانی نمایان می‌شود. چه کسی برنده و چه کسی بازنده می‌شود، چه کسی پشت میز می‌نشیند و چطور بازی به انجام می‌رسد، سؤالاتی است که با خطوط طراحی تعیین می‌گردد. آیا طراحان به این دلیل از ترسیم خطوط می‌ترسند که از برخورد اجتناب کنند؟ یا می‌ترسند که نهایتاً طرح‌ها و پهنه‌بندی‌ها، اعتباری را در زمینه مکان صحیح در حیطه شهر برای شان ایجاد کند؟

آیا برنامه‌ریزی نیاز به طرح دارد؛ یا می‌تواند بدون طرح، بدون پرسش و بی‌حفاظ باشد؟ اگر حالت دوم صحیح است، چرا متخصصان را "mini" نامیم و واژه "plan" را به کلی فراموش نکنیم؟ برنامه‌ریزان طرح‌ریزان شهری به شهر زندگی می‌بخشند و قرن‌هاست که از طرح بهره می‌گیرند. تنوع در ابزارهای مورد استفاده برنامه‌ریزان در سال‌های اخیر، این حرفه را غنی‌تر کرده است؛ اما برای دستیابی به حداکثر کارایی و استفاده از پایه‌های قانونی مطلوب، لازم است این ابزارها با طرح عمومی نیز ارتباط برقرار کنند. به هر حال طرح است که به برنامه‌ریزی [طرح‌ریزی] نام می‌بخشد.

این مقاله ترجمه‌ای است از
Does Planning Need 'The Plan'؟
نوشته Michael Newman برگرفته از:
APA, Vol 64, NO. 2, 1998

- 1- urban pieces
- 2- Battery Park City
- 3- Seaside
- 4- Oregon
- 5- Regional Plan Association
- 6- National Capital Planning Commission
- 7- Cross-Acceptance
- 8- Bologna
- 9- Aldo Rossi
- 10- Thames River Gateway Strategy
- 11- Ildefonso Cerdà
- 12- Great White City
- 13- Denzil Burnham And Edward Bennett
- 14- Abercrombie
- 15- Finger Plan
- 16- Art of Building Cities
- 17- Plan Voisin
- 18- Village of Euclid v. Ambler Realty Company
- 19- Planned Unit Developments
- 20- Notes on an Expedition to Planland
- 21- metaphors
- 22- behemoth
- 23- International City Management Association
- 24- National Municipal League
- 25- edge city
- 26- Kenneth Boulding